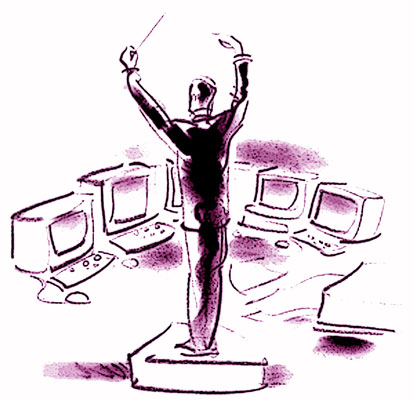
سایت سازمان تبلیغات اسلامی

**روش‌هاي تبليغي**

 **نوروز صدري**



انعطاف‌پذيري انسان

انسان موجودي است انعطاف‌پذير. يعني از محيط اطراف و عوامل مختلف به آساني منعطف مي‌گردد و در اثر آن انعطاف‌, اعمال و رفتار ارادي از خود نشان مي‌دهد.

افرادي را مي‌توان به شيوه‌هايي خندانيد و همان افراد را مي‌توان به عوامل ديگر گريانيد.

اين رفتار انساني كه در نهاد او به وديعت گذارده شده است پديده مبارك و ميموني است تا حركت‌هاي فعل و انفعالي در برابر داده‌ها, داشته باشد.

صاحبان هدايت و رستگاري, ضلالت و گمراهي و اربابان خدمت و تجارت,... مي‌توانند به نحو احسن از اين پديده الهي بهره كافي برده و فرد يا جامعه را از آنجايي كه خود مردمان دوست دارند آغاز كرده به و جايي كه خودشان مي‌خواهند برسانند.

تبليغ و تبليغات

تبليغ, يا (پروپاگان) به طوركلي عبارت است از رساندن پيام به گيرنده از طريق برقراري ارتباط, به منظور ايجاد تغير و دگرگوني در بينش, رفتار و كردار او. و در تمدن امروز به مجموعه‌اي از شگردها و شيوه‌هاي تاثيرگذاري رواني و انفعالي گفته مي‌شود.

همچنين فرهنگ دهخدا تبليغ را به معناي رساندن, خواندن كسي به دين, مذهب, مسلك, عقيده و يا كشيدن كسي به راهي كه تبليغ كننده قصد دارد, مي‌داند.

تبليغات يا پروگاندا (propaganda) از ريشه لاتيني به زبان فرانسوي به معناي ترويج اميال, ايجاد نظر خوب يا بد نسبت به شخص, سازمان , مذهب , عقيده و يا چيز ديگر , از طريق تحت تاثير قراردادن افكار و عقايد مردم باشد.»1

نظريه ژاک الول استاددانشگاه و پرفسور فرانسوي در باره تبليغات: «تبليغات مجموعه‌اي است از روشهايي که بوسيله يک گروه سازمان داده شده بکار برده مي شود که مشارکت فعال يا غير فعال توده متشکل از افرادي را در عمل خواستارند که از طريق دست کاريهاي روانشناسانه , از ناحيه روان شناختي يکي شده ودر يک سازمان مندرج شده‌اند.»‌2

معناي تبليغ در فرهنگ اسلام و جامعه اسلامي

اسلام بسياري از واژه هاي جهاني و بين المللي در حوزه هاي فردي و اجتماعي در علوم مختلف را دوباره خواني مي کند و معاني تازه اي را ارائه مي دهد. البته اين به آن معنا نيست که اين واژه ها دوباره معناي جديدي پيدا مي کنند. واقعيت اين است که اين واژه ها براي معاني واقعي بوده ولي دنياي نابسامان امروزي به مقاصد سودجويانه و ستمگرانه آنها از معاني اصلي خود دورکرده است. و حال که اسلام مي خواهد راهنماي راه انسان‌ها باشد بايد واژگان را از بستر واقعي خودشان معنا کند. از اين قانون, تبليغ و تبليغات واقعي هم مستثني نيستند چرا که امروزه اين کلمات از معاني و کاربرد واقعي خودشان فاصله گرفتند.

امروزه با نگاهي به تمامي رسانه‌هاي تبليغي جهاني اعم از رسانه هاي الکترونيکي  صوتي و تصويري و... , در همه حيطه هاي به دقت بنگريم در مي يابيم که مي خواهند همگان يا گروه خاصي را در اختيار و استعمار بافته هاي غير حقيقي و در بسياري از موارد دور از واقعيت  خود بگيرند. حال اينکه اسلام تبليغ و تبليغات را حول محور واقعيت و حقيقت مي داند؛ و ماوراي آن را کذب و نيرنگ مي شمارد.

تعريف تبليغات از ديدگاه امام راحل«ره»

تبليغات که همان شناساندن خوبي ها و تشويق به انجام آن و ترسيم بديها و نشان دادن راه گريز از آن است از اصول بسيار مهم اسلام عزيز است. 3

تعريف تبليغ در بيان رهبر معظم انقلاب

«تبليغ در اسلام به معناي رساندن حقايق و معارف اسلامي و دعوت و تشويق مردم به رعايت و اطاعت از فرامين الهي و تأسي به سيره انبياء و ائمه اطهار -عليه السلام - به كار رفته است.

آنچه ما به ان اعتقاد داريم معناي واقعي تبليغ است يعني رسانيدن حقايق و واقعيتها بگوش مردم جهان است.» 4

سرشت آدمي با حقيقت آشکار و پنهان پيوند خورده و هميشه خواهان اوست. و از کذب  مبالغه هاي غير واقعي خوشش نمي آيد مگر اينکه اين فطرت توسط ساليان دراز دغل بازي و تبليغات منفي و سوء تربيت از مسير اصلي خود منحرف شده باشد. لذا آدمي هميشه حقيقت و مردان مدافع حقيقت را ستايش مي کنند.

رهبر معظم انقلاب در اين باره مي‌فرمايد:

«تبليغي كه ما دنبال آن هستيم, غير از تبليغ مصطلح در دنياست, تبليغ ما رساندن واقعيت و حقيقت به ذهن‌ها است و حقيقت چيزي شريف, عميق و بسيار والاست.»5

«هدف تبليغات در جمهوري اسلامي ايران رساندن آواي حيات بخش و زندگي آفرين اسلام و بانگ افتخار آفرين توحيد به مردم تحت ستم و در بند دنيا يکي از مهمترين رسالت‌هاي امت اسلامي ايران است. همچنين ارتقاي سطح آگاهيهاي اسلامي و انقلابي آحاد ملت وتشريح مسايل اسلامي براي جلوگيري از ايجاد انحراف توسط استکبار جهاني و سرسپردگان داخلي‌اش و زدودن آثار حکومت سياه و طاغوتي شاهنشاهي.»6

حال که رسالت تبليغ برپايه واقعيت ها دورمي زند, پس بايد منبع آن بسيار موثق باشد تا دچار تکذيب, اصلاح يا بازخواني آن پيام تبليغ نشويم. اين اصل ثابت و تکيه گاه هميشه مستحکم نيست؛ مگر رسالت الهي و آيات الهي و سنت رسول خدا و ائمه اطهار که در باره همه زواياي  ديروز و امروز و فردا دنيا و حتي پس فرداي آخرت و سعادت جاودانگي بشريت سخن هاي دقيق و غير قابل تغير دارد.

و رهبرعزيز ما درباره منشأ واقعيات در ديدار با شوراي تبليغات اسلامي و مديران دفاتر اين سازمان مي فرمايد :« ما با تبليغ خود پيام خدا و رسالت الهي را مي رسانيم.»7

اولين مبلغان پيامبران الهي بودند که با فعل وقول خود دستور العمل زندگي را متناسب بازمان وظرفيتهاي بشري, با هنر رايج زمانه در اختيار بشريت قرار دادند.

يكي از رسالت مهم آنان و امامان و علما و دانشمندان الهي تبليغ دين خدا است. يعني: آنچه از سرمنشا وحي يا از رسول آن دريافت کردند بدون كم و زياد در اختيار خلايق قرار دهند, و مردم هم وظيفه دارند اين پيامها را دريافت کرده و بدانها عمل نمايند وگرنه مورد تهديد قرآن قرار گرفته اند: بطوري که قرآن در اين باره مي فرمايد:

«اطاعت خدا و اطاعت پيامبر کنيد(و از مخالفت فرمان او ) بترسيد.و اگر روي برگردانيد (مستحق عذاب خواهيد بودو) بدانيد بر پيامبر ما جز ابلاغ آشکار چيز ديگري نيست.»8

وهمچنين در آيه ديگر از سوره مائده مي فرمايد: که «پيامبر وظيفه‌اي جز رساندن پيام (الهي) ندارد...»9

آنچه حائز اهميت است محتواي پيام تبليغي است که محتواي دين و واقعيتهاي و احکام و دستورات الهي به سوي پيام گيرنده است و همه مردم دنيا در دامنه گيرندگان اين پيام الهي هستند.

تبليغ در صدر اسلام

از زمان‌هاي دور تا صدر اسلام غالب تبليغ ها با بيان سخنان و ايجاد معجزه و تبليغ عملي بوده است که با «با ظهور اسلام, تبليغ وارد مرحله جديدي شد, بدين گونه كه تبليغات علني با تبليغات سري آميخته گشت و از حالت خود سري و نوسان به صنعت منظم  تخصصي در آمد و از انحصار برخي از افراد مثل حكام يا سياسيون, تجار, خارج شده و به كليه افراد شايسته و با صلاحيت در هر زمان و مكان ارتقا يافت و از سلطه مطلق يا هرج و مرج مطلق به آزادي انديشه وآزادي انسانيت راه گشود. ابزارهاي قديم متحول شد و در سايه تبليغ جهاني به كل بشريت سرايت كرد. از اطراف و اكناف هيات ها به سوي مكه و مدينه بسيج شدند تا خبردين جديد را از نزديك مشاهده كنند.حج بر مسلمين واجب گرديد تا در اين گرد همايي سالانه بين المللي ارتباط توده ها در عاليترين سطح سازماندهي شود و معاملات صورت پذيرد. شعر متحول گرديد وسايل و ابزارهاي ديگر پا به عرصه اجتماع نهاد كه سابقه نداشت مثل منبر , وقوف به عرفه و ديگر وسايل كه همواره از مترقي ترين و موثرترين وسايل تبليغ بوده و خواهند بود».10

تاريخ آغازين تبليغي

روحيه تبليغ و انفعال در برابر آن را خداوند متعال در نهاد انسانها از ابتدا نهاد و براساس اين روحيه تکاليف متعددي براي او قرارداد و حتي او را موظف نمود تا به ديگران برساند و راه تبليغ را هموار سازد.در نتيجه  امر تبليغ سابقه اي به قدمت بشر دارد. چرا كه اولين فردي كه به عنوان آدمي آفريده شد. دستور تبليغ الهي را نيز به او دادند. و او موظف شد با مقام پيغمبري فرزندان و همنوعانش را به راه رستگاري دعوت نمايد. و قرآن در اين مورد مي فرمايد:

«گفتيم همگي از آن فرود آييد هرگاه هدايتي از طرف من براي شما آمد, كساني كه از آن ها پيروي كنند , نه ترسي برآن ها است و نه غمگين شوند.» 11

در معارف اسلامي مسلم است که در هيچ زماني زمين از حجت الهي خالي نبوده و نيست و اولين انسان رسولي از رسولان الهي بوده است.

قدمت تبليغ در قرآن

قرآن, اين كتاب آسماني, تازه ترين و قديمي ترين مطالبي كه باعث هدايت بشريت است را در درون خود جاي داده است. و در اين كتاب هدايت گر به قديمي ترين زمان هاي تبليغي انسان و حتي شيطان اشاره مي كند.

«خداوند متعال حضرت آدم و همسرش را در بهشت ساكن كرده بود. پس شيطان موجب لغزش آنان از بهشت شد؛ و آنان را از آنچه در آن بودند بيرون كرد.» 12

تا بعثت خاتم انبيا , پيام آوران بسياري به عرصه ارشاد و هدايت گام نهادند. و قرآن بدان تصريح دارد:

«ما تو را به حق فرستاديم تا بشارت دهنده و بيم دهنده باشي و هيچ امتي نبوده مگر اينكه هشدار دهنده اي داشته است.» 13

قدمت تبليغ در نظر كاليزر

«از نظر دائره‌المعارف كاليزر: تاريخ تبليغات. تاريخچه گسترش آگاهانه و عمومي عقايد است. علامات.سخنوري‌ها. سنبل‌ها. آوازها. رنگ آميزي ها. نقاشي ها وكنده كاري هاي ابتدايي و علامات ارتباطي به شيوه ابتدايي ,وسايل تبليغاتي بود ,كه پيش از اختراع خط به كار مي رفت. با انضمام روش هاي پيشرفته ارتباطات به روشهاي سابق به مهمترين عامل در تبليغات , تبديل شد.

...در يونان و روم باستان كه در برهه اي از زمان , آزادي هاي فكري قابل توجهي فراهم بود , نوشته هاي فلسفي مانند نوشته هاي (استويس) و (اپيكور) مقالات سياسي مانند مقالات (پلاتو) و (ارسطو) تاريخ و بيوگرافي مانند هرورت )و پلوتارچ )و حماسه سرايي همگي در زمره تبليغات بود , زيرا مطالبشان عقايد قابل بحثي بودند كه تبليغ مي شدند.» 14

اهميت تبليغات در دنياي امروز

امروزه تبليغات در دنيا اهميت وافري دارد به طوري كه اگر تبليغات خاموش شود مردمان دنيا درباره مسايل شخصي و اجتماعي و سياسي دنياي خود كاملا سردرگم مي شوند و در تمامي انتخابات خود به تزلزل مي افتند.  البته اين وابستگي در تبليغات براي سلامتي جامعه و مردم اصلا خوب نيست چرا كه به طور غير مستقيم آزادي فكري و رواني را از آن ها سلب مي كند. و در اين ميان راه درست را گم خواهد نمود.

حضرت امام راحل در پيامي درباره اهميت تبليغات مي‌فرمايد:

« مساله تبليغات يک امر مهم است که مي شود در دنيا در راس همه امور قرار گرفته و مي توان گفت دنيا بردوش تبليغات است»15

همان طوري که تحصيل تکليف است, تبليغ بالاتر است از او. تحصيل مقدمه تبليغ است, مقدمه انذاراست.16

«برادران و خواهران من، ما امروز در يک عصري واقع هستيم که تمام دنيا, تمام کشورها از اقصي نقاط عالم تا اينجا به منزله يک خانه شده اند. در سابق اگر چنانچه قضيه اي واقع مي شد در يک شهري، براي يک شهر ديگر هيچ مطرح نبود و شهر ديگر از آن مطلع نمي‌شد يا اگر مي‌شد براي او قضيه‌اي نبود‌, لکن وضع عصر ما طوري شده است که قضاياي که در يک کشور مي شود , در همه کشورهاي دنيا , در اقصي کشورهاي دنيا منعکس مي شود و براي آن ها مطلب است.» 17

سلاح تبليغات برنده تر از کاربرد سلاح در ميدان جنگ است. 18

تبليغات در راس امور است  و هروز بايد حجمش زيادتر گردد. 19

«در يک همچو محيطي که تمام رسانه هاي گروهي به ضد اسلام واقعا به ضد جمهوري اسلامي تبليغات مي کنند , امروز تبليغات يک ويژگي خاصي دارد و بر همه لازم است که تبليغات کنند ,. تبليغات داخلي براي اينکه مبادا خداي نخواسته :مردم تحت تأثير تبليغات سوء ابرقدرتها واقع بشوند و بالاتر از او تبليغات در خارج بايد بشود , ما تبليغاتمان درخارج بسيار ناقص است. 20

«در اين موقع حساس که جمهوري اسلامي و اسلام عزيز مورد تهاجم تبليغات رسانه‌هاي گروهي مرتبط با قدرت هاي بزرگ و وابستگان آنان قرارگرفته است وآنان در باطل خود آن فعاليتها و تبليغات وسيع را به راه اندختند ما و شما و همه طرفداران اسلام براي حق خود بايد به اين حربه برنده روز مجهز باشيم و چهره واقعي اسلام و جمهوري را در داخل و بيشتر در خارج در معرض شناخت همگان در آوريم و اين وظيفه الهي و انساني برعهده ماست.» 21

دنيا و ابرقدرت‌هاي آن بعد از ساليان دراز, جنگ هاي جهاني و كش مكش هاي طولاني به اين نتيجه رسيدند كه استعمار تبليغاتي و واداركردن فكري و ذهني مي تواند جايگزين بسيار خوبي براي جنگ و خون ريزي باشد چرا كه هم ارزانتر و هم موثرتر است.

«بعد از جنگ جهاني اول يكي از فرماندهان عالي مرتبه آلماني گفت: ما بمب هاي خود را نابود مي كنيم تا يك توپ را كه در دست يك نظامي است منهدم كنيم , آيا با صرفه تر نيست كاري كنيم كه دست آن نظامي كه بر ماشه يك توپ نهاده شده بلرزد و از شليك كردن خوداري كند»

«در هفدهم دسامر 1995 (آيزنهاور) رئيس جمهور ايالات متحده آمريكا اعلام كرد : بزرگترين جنگي كه درپيش داريم جنگي است براي تسخير افكار انسان‌ها»

«گوبلر وزير تبليغات و اطلاعات هيتلر مي‌گويد: با گاز مي توان در آن واحد صدها نفررا مسموم كردولي با يك دروغي كه خوب ساخته و پرداخته شده باشد مي توان ذهن صدها ميليون نفر را دچار مسموميت كرد. »

ناپلئون گفت: از صداي قلم روزنامه نگاران بيشترمي ترسيم تا صفيرگلوله.

«كارتر رئيس جمهور اسبق آمريكا مي گفت : يك دلار براي تبليغات بهتر است تا ده دلار براي تسليحات...» 22

اينان با هوش و ذكاوت خود با اين نتيجه نرسيدن بلكه از ظلم جنايات فراوان كه نتيجه قابل توجهي براي آنها نداشت به اين نظريه سوق داده شدند. اين نگرش اگرچه به ظاهر دست از جنگ و خونريزي بر مي‌دارد و به سياست بازي و نيرنگ بازي‌ها مي‌پردازد اما در واقع به گونه اي شيره و درون مايه ملت و حکومتي را مي کند و آن را بعد از مدتي تهي از هر توان و فرهنگ و شخصيتي مي کند. و اگر هم ملتي در برابر تبليغات مصموم آن ها مقاومت کند آن را تا تهديد کرده و در غير اين صورت با همان روش سابق به سوي آنها لشکرکشي مي‌کنند مانند عراق و افغانستان و فلسطين اشغالي.

روش‌هاي قديم تبليغ

در گذشته بسيار دور بشر تلاش مي كرد تا ابزارهاي بسيار ابتدايي بتواند توجه ديگران را به خود جلب كند و از اين را بتواند اجتماع بهتري داشته باشد. آدمي تلاش مي كرد با نشان دادن قدرت خود در شكاركردن. كوهپيمايي . پيداكردن يا ساختن پناگاه مناسبتر و پوشش بهتر, كشيدن اشكال مختلف بر سينه غارها و كوه ها ؛ مقاصد خودش را به ديگران بفهماند و از اين راه به اجتماعي بهتر, احساس بهتر و... دست يابد و حتي قلمرو خود را مشخص مي كرد. آرام آرام كه ذهن آدمي متكامل‌تر مي‌شد در شيوه‌ها تبليغي موفق‌تر عمل مي‌كردند. بيان كامل شد, نوشتن آمد, نقاشي به يك هنر كامل تري  جلوه كرد و بشر توانست از اين ابزارهاي هنري بهره بهتري ببرد.

برگزاري مسابقات مختلف ورزشي

مانند اسب‌دواني‌, تير‌اندازي‌, كوه‌نوردي كشتي‌هاي محلي كه بسيار مورد توجه مردمان زمان خودش بود و از اين راه عقايد خودشان را تبليغ مي‌كردند.

امروزه هم در دنيا به عنوان مسابقات جام جهاني و المپيادهاي مختلف مطرح  است البته بيشتر حالت تبليغات گروهي ملي و صنعتي و تجاري و سياسي دارد. وکمترجلوه مذهبي و اخلاقي فکري و آرماني دارد و حتي در بسياري از موارد با ايجاد تنشهايي باعث بروز بي نظمي ها و رقابت هاي ناسالم در بين هواداران نشان ايجاد مي کند وگاهي ناهنجاري هاي فردي و اجتماعي و سياسي جدي ايجاد مي کند.

رهبرعزيز انقلاب در باره اهميت حضور ورزشکاران در عرصه‌هاي داخلي و جهاني مي‌فرمايند:

«وقتي جمعي به خارج از کشور بروند به هر عنواني که اين رفتن صورت بگيرد مي‌تواند پيام انقلاب ما را برساند...که ورزشکار از اين جمله است.»23

 «شما (کشتي‌گيران اعزامي ارتش به خارج) مظهر يک نيرو براي ملت وکشورتان هستيد، چه اينجا باشيد چه براي مسابقه به خارج از کشور برويد، در هرصورت شما سفيران جمهوري اسلامي ايران هستيد»24

ارسال پيك

با ارسال نامه با پيك ملت يا گروهي را دعوت به صلح يا جنگ و... مي‌كردند. در زمان‌هايي که ابزارهاي ارتباطي وجود نداشت سران ملت‌ها و قبيله‌ها تلاش مي‌کردند با ارسال پيک وگاهي به همراه نامه و پيام خود را به فرد يا گروهي مي‌رساندند.

امروزه کاربرد چنداني ندارد اما در زمان چنک و يا مواقع بحراني که نشود با وسايل ارتباطي ديگري ارتباط برقرارگرد استفاده مي شود.

حماسه‌سرايي

در سابق كه بسياري از لوازم هاي تفريحي و سرگرمي نبود افراد در كوچه بازارها بر سر گذرها و در خانه‌ها, داستان‌هاي تخيلي و واقعي و شاهنامه‌اي را با زبان رسا و گويا براي مردم مي‌گفتند و با اين كار روحيه حماسه و سلحشوري و شجاعت و... را در آن‌ها ايجاد مي كردند.

امروزه جايگاهي در بسياري از جوامع ندارد؛ اما رد پاي حضورش در تئاترها و برخي از فيلم‌ها با زبان هنري‌تر ديده مي‌شود.

شعرگويي و شعرخواني

در گذشته هاي بسيار دور شعر و شاعري يک از موثرترين ابزارهاي پيام رساني و تبليغ بود. اين کلمات موزون و شيرين خاطر پادشاهان بسياري را در تاريخ يا شاد نمود يا مکدر؛ و خون‌هاي بسياري را يا بر زمين ريخت يا نجات داد.

از آنجايي كه تبادل گفتاري بيشترين رونق خود داشت و مردم از راه گفتار و كلمات، با هم ارتباط برقرار مي‌كردند، اين هنر مهم انساني روز به روز كامل‌تر شد به طوري كه در اختيار افراد خوش‌ذوق قرار گرفت و آرام آرام با وزن و آهنگ خاصي دلنشين‌تر شد و به اوج تكامل خود رسيد و آثار هنرمندانه‌اي از خود بجا گذاشت. مانند آثار حافظ سعدي مولوي و... كه در دنيا پرتو‌افكني مي‌كند.

در تاريخ ديده شده که با سرودن يک قصيده و تحريک حاکم, قومي را بالاي دار برده‌اند, و بالعکس.

رهبرمعظم انقلاب مي‌فرمايند: «شعر امروز مي‌تواند مضمون حقيقي انقلاب را در بهترين قالب و وسيله منتقل نمايد و آينه‌اي براي آينده باشد و لذا است که شعر انقلاب ارزشمند است. در قالب شعر مي‌توان به آيندگان فهماند که هنگام پيروزي انقلاب، ورود حضرت امام به ميهن، بروز جنگ تحميلي و... در اين جامعه چه گذشته است و با شعر و هنر مي‌توان احساسات مردم و پيام انقلاب را به نسل آينده انتقال داد.»25

«آن زباني که مي‌تواند پيام انقلاب را به اعماق جوامع برساند، زبان شعر و ادبيات و زبان هنر مي‌باشد»26

«امروز ملت‌ها همچون الگويي به انقلاب ما وملت ما و کشور ما و نظام ما مي‌نگرند. بسيارند آنها که مي‌خواهند سرنوشت خود را در آيينه اين انقلاب ببينند. پيام انقلاب بايد به زبان شعر و هنر که اصيل‌‌ترين و خالص‌ترين زبان‌هاست به آنها منتقل شود.»27

آسيب‌شناسي شعر

شعر زبان بسيار لين و بالطافت در عين حال بسيار تيز و بانفوذي است و مي‌توان بسياري از هنر‌هاي نمايشي و گويشي و نوشتاري را در قالب‌هاي بسيار زيباي هنري وارد آن نمود و اين زبان اگر در اختيار دشمنان حقانيت قرار بگيرد مي‌تواند ضربه‌هاي مهلکي بر پيکر جامعه ايجاد نمايد. لذا بايد مراقب اينگونه ادبيات تبليغي بود تا ديگرانديشان نتوانند با اين ابزار بران، ريشه‌هاي محکم فرهنگي ما را دچار آسيب نمايند.

«در رژيم سابق نيز ادبا و شعراي غرب‌زده و خود‌باخته با سرودن اشعار و قطعات به اصطلاح ادبي ماموريت القاي فرهنگ جاهليت ستم‌شاهي و اشاعه فساد و تباهي و ابتذال در بين مردم علي‌الخصوص جوانان، و تحريف فرهنگ و معارف اسلامي را به عهده داشتند. اينان جزو اولين گروه‌هايي بودند که آثار و مظاهر بيگانه را اخذ کرده و به مثابه مروجان و مبلغان استعمار در بين مردم وکشور خود به تبليغ و ترويج آن‌ها عمل مي‌کردند.»28

منبر

منبر جايگاه بلندي است که عالم ديني در آنجا قرار مي‌گيرد و مسايل مختلف الهي مربوط با سعادت دنيا و آخرت مردمان را با الهام از فرامين پروردگار و رسولانش بيان مي‌کند.

و مردم در کنار آن‌جايگاه مسايل مورد نياز خود را سينه به سينه بدست آورده و عمل مي‌کنند. اولين کساني که از اين جايگاها استفاده تبليغي مي‌کردند پيامبران خدا بودند؛ چرا که آن‌ها از طرف خداوند متعال مامور به بشارت و انذار خلايق بودند:

سيوطي در الاوئل مي‌نويسد: حضرت ابراهيم عليه السلام نخستين کسي است که بر منبر خطبه خوانده است.

جاحظ در البيان و التبيين مي نويسد : وکان شعب اخطب الانبياء؛ شعيب سخنورترين پيامبران بود.

اما مي‌توان گفت: اولين کسي که در اسلام بدين‌گونه از منبر براي رساندن پيام الهي بهره گرفتند حضرت محمد صلي الله عليه و آله بودند. ايشان «علاوه بر اينکه خود مبلغ سيار بود, براي نشر اسلام و تعليم قرآن مبلغاني به اطراف و اکناف اعزام مي‌کرد ابن‌هشام اسامي برخي از مبلغاني که در اين راه به شهادت رسيدند را آورده است.»29

در اين روش تبليغ از آنجايي که مخاطب در برابر خطيب قرار مي‌گيرد ضمن اينکه سخنش را مي‌شنود حرکات او و اشارات صورت و ساير قرائن حاليه را دريافت مي‌کند وکلام يا پيام در جان و دل فرد مي نشيند. و اگر هم براي عده‌اي کلام نامفهوم بود، مي‌تواند با گوينده به آساني ارتباط برقرار نمايد. اين روش بيش از هزاران سال با اندکي اختلاف در جوامع ديني کاربرد داشته و همچنين تا آينده نيز کاربرد خواهد داشت.

امروزه منبر به يک هنر تبليغي تبديل شده است هنري که مي‌تواند با بکار‌گيري انواع روش‌هاي هنري و تبليغي يکي از موثرترين روابط عملي را با مخاطب ايجاد نمايد. در ماه‌هاي مبارک رمضان  و ماه‌هاي تعزيت محرم و صفر و ساير مناسبت‌هاي ديگر، تمامي علما و خطبا با الهام از پيشکسوتان در امر تبليغ به سوي سر تا سر ايران عزيز و حتي به سوي بسياري از کشورهاي ديگر رفته و با زيباترين روش‌ها، سخن ناب الهي را به گوش جان مردم و جهانيان مي‌رسانند. اين سنت حسنه‌اي که رسول خدا صلي‌ الله عليه و آله در جامعه اسلامي بدين کيفيت راه‌اندازي نمودند امروزه به اوج تکامل خود رسيده است و همچنين کامل‌تر خواهد شد.

آسيب‌شناسي منبر

نداشتن اخلاص و گرفتار ريا بودن

هدف از تبليغ نبايد ارضاي منويات نفساني باشد. مبلغ بايد با نهايت توان خويش به آنچه مي‌گويد اعتقاد و باور عملي داشته باشد و براي رضاي خدا و سعادت مردم خالصانه تلاش نمايد. در اين صورت مقام عظيمي در پيشگاه الهي خواهد داشت و تبليغ او نيز اثر بسزايي خواهد گذاشت. به عنوان نمونه تبليغات رسول خدا صلي الله عليه و آله که بيش از صدها قرن هر روز در دل‌ها تازه‌تر مي‌شود. و در عصر ما تبليغ حضرت امام راحل(ره) که با بيداري ملت ايران و هويت اسلامي آن را آشکار کرده و به زودي تمام دنيا به سوي جهاني اسلامي حرکت خواهد نمود. اما اگر خداي نکرده به ريا و ساير ناخالصي‌ها آغشته باشد نه براي مخاطب اثر چنداني مي‌گذارد که در او انگيزه عملي براي‌ کار ايجاد کند و نه فايده‌اي براي خودش دارد و حتي رسول خدا صلي الله عليه و آله آن را شرک کوچک مي داند.

پيامبر اسلام صلي الله عليه و آله مي‌فرمايد: ‌ترسناک‌ترين چيزي که از شما بيم دارم شرک کوچک است. گفته شد: اي پيامبر خدا شرک کوچک چيست؟ فرمود :«ريا». سپس فرمود: خدا در روز قيامت که پاداش بندگان را عطا مي‌کند به آنان فرمايد: برويد نزد آناني که برايشان ريا کرديد و بنگريد که پاداش کارهايتان پيش آنان است.30

 نداشتن صداقت و ترويج اباطيل

هر مسلمان و مومني بايد صادق و درستکار باشد و اين مهم براي کسي که مي‌خواهد مبلغ کلام حق باشد ضرورت بيشتري دارد چرا که با کلام باطل و کذب نمي‌توان حقي را به اثبات رسانيد.

صداقت در کردار و گفتار مي‌تواند فرد مبلغ را زود‌تر به مقصد برساند يعني تبليغ عملي و تئوري او به ثمر مي‌نشيند و اگر خداي‌نکرده در کردار و رفتار و گفتارش خللي از صداقت باشد و فرد يا جامعه آن را دريابد کلام او ديگر اثرش را از دست خواهد داد و گاهي مضر خواهد بود.

از امام ششم عليه‌السلام: همانا خداي عز و جل، هيچ پيامبري را هرگز نفرستاد، مگر به راستگويي و برگرداندن امانت، چه نيک و چه بد.31

امام صادق عليه‌السلام: همانا علي عليه‌السلام با راستي در سخن و اداي امانت، آن جايگاه بلند را نزد پيامبر کسب کرده است.32

امام صادق عليه‌السلام: به رکوع‌ها و سجده‌هاي طولاني افراد نگاه نکنيد‌؛ زيرا ممکن است به آن عادت کرده باشد و اگر آن را ترک کنند؛ وحشت کنند؛ بلکه راستگويي و امانت‌داري آنان را بنگريد.33

مدح فاجر و فاسق

بعض از افراد فاسق و رياکار به شيوه‌هاي مختلف خود را در شهر و روستا به عنوان افراد خير جاسازي مي‌کنند و با اين روش مي‌خواهند جايگاه و مقامي نزد امام‌جمعه يا جماعت يا مقام مسؤلي ديگر از نظام اسلامي براي خود ايجادکند. آن‌هايي که کم‌عقل‌تر هستند به صراحت اعلام مي‌کنندکه بايد در جاهاي مختلف نامم را بيان کني تا مردم بدانند، و آن‌هايي که به شيطان هم درس مکاري مي‌دهند، بظاهر از نام بردنشان ناراحت مي شوند؛ اما همين که آقا بر منبر خطابه نشست خودش کاغذي مي نويسد و با حيله گري خود را مطرح مي کند.

اين فرد رياکار چه مقاصدر را دنبال مي کند و اگر آن مبلغ يا مسؤل خام اين طرفند گردد چه اثري سوئي مي تواند بر روند تبليغيش بگذارد.

لذا رسول خدا صلي الله عليه و آله مي‌فرمايد:

اذا مدح الفاجر اهتز العرش و غضب الرب:‌ آنگاه که فاجر مدح شود، عرش خدا بلرزد و پروردگار خشمگين گردد.34

مبلغي که مي‌خواست با بيان حق راه را از بي‌راهه روشن کند خود دچار گمراهي شده و به جاي پاداش، غضب پروردگار را دريافت نمود.

ياري ظالمان كند

رسول خدا صلي الله عليه و آله در اين‌باره فرمودند:

چون روز قيامت شود منادي ندا دهد: ستمکاران، ياران آنان وآنان که برايشان دواتي جوهر کرده و سر کيسه اي بسته اند و يا قلمي سر کرده اند کجايند؟ همه را با هم محشور کنيد.35

حضرت علي عليه‌السلام در شفارشات خود به کميل دارند:

اي کميل! مبادا در خانه ستمکاران را بکوبي و با آنان همدم گردي... اي کميل! اگر مجبور شدي با آنان هم‌مجلس شوي، پيوسته خدا را ياد کن و بر او توکل نما و از شر آنان به خدا پناه ببر. از آنان چشم برگير، سر به زير انداز و با قلب خود، کارشان را انکار کن. بلند خدا را به بزرگي ياد کن، تا آنان بشنوند و هيبت تو آنان را بگيرد و از شرشان در امان ماني.36

وصيت حضرت علي عليه السلام به کميل

آيا چنين نيست که با فراخواني تو به دربار خود مي‌خواهند تو را قطبي کنند تا آسياب مظالمشان را بر محور تو به گردش در آورند و پلي کنند تا از آن به سوي ظلم و ستم بر مردم عبور کنند و نردبان گمراهي خويش سازند... در دل تو نسبت به علماي حقيقي ترديد افکنده و به وسيله تو دل مردم نادان را به خود جلب کنند. مقرب‌ترين و‌زيران و نيرومندترين معاونان و ياران آنان، کمتر از تو مفاسدشان را در نظر مردم توجيه کرده و خاصه و عام را به در بار آنان مي‌کشانند. چه مزد ناچيز و اندکي، در برابر بهره سرشاري که از تو مي‌برند، به تو مي‌دهند. در برابر آبادي مختصري که در زندگي تو پيش مي‌آورند، چه ضربه سختي بر بنياد هستي و انسانيت و زندگي جاودان تو مي‌زنند. تو خود بايد خود را بپايي، ديگري نيست که تو را بپايد. بايد خود را به عنوان کسي که به زودي مورد بازخواست الهي قرار خواهد گرفت، حسابرسي و مواخذه کني.37

**پي‌نوشت‌ها:**

1. كتاب تبليغات ديني ابزارها و شيوه ها ص13

2. نظريه ژاک الول در باره تبليغات به نقل ازکتاب تبليغات يک واژه در دو حوزه فرهنگي از محمدهادي همايون، ص151

3. «امام خميني ره» مقدم که کتاب خلاصه مقالات تبليغ و تبليغات از احمد رضا حميدري

4. آيت الله خامنه‌اي 3/10/1360 به نقل از تبليغات ديني و ابزار و شيوه‌ها، احمد رزاقي

5. آيت الله خامنه‌اي 20/12/1360 به نقل از تبليغات ديني و ابزار و شيوه‌ها، احمد رزاقي

6. خلاصه مقالات تبليغ و تبليغات مولف احمد رضا حيدري، ص37

7. آيت الله خامنه‌اي 3/10/1360 به نقل از تبليغات ديني وابزار وشيوه ها احمد رزاقي

8. و أطيعوا الله و أطيعوا الرسول و احذروا فإن توليتم فاعلموا أنما علي‏ رسولنا البلاغ المبين، مائده/92

9. ما علي الرسول إلا البلاغ و الله يعلم ما تبدون و ما تكتمون، مائده/99

10. دكتر عماره نجيب, الاعلام في ضوء الاسلام ص26الي27 نقل از كتاب تبليغات ديني ابزارها و شيوه‌ها ص18

11. : قلنا اهبطوا منها جميعاً فإما يأتينكم مني هدي فمن تبع هداي فلا خوف عليهم و لا هم يحزنون، بقره/38

12. و قلنا يا آدم اسكن أنت و زوجك الجنه و كلا منها رغداً حيث شئتما و لا تقربا هذه الشجره فتكونا من الظالمين، بقره/35

فأزلهما الشيطان عنها فأخرجهما مما كانا فيه و قلنا اهبطوا بعضكم لبعض عدو و لكم في الأرض مستقر و متاع إلي‏ حين، بقره/36

13. إنا أرسلناك بالحق بشيراً و نذيراً و إن من أمه إلا خلا فيها نذير، فاطر/24

14. تبليغات ديني ابزارها و شيوه‌ها، ص 16

15. امام خميني ره، در 16 فروردين 1359

16. صحيفه نور، ج 15، ص 249 وج16، ص221و277 به نقل از کتاب تبليغات يک واژه دردو حوزه فرهنگي محمدهادي همايون، ص25

17. صحيفه نور، ج 13،ص 23 به نقل ازکتاب تبليغات يک واژه در دو حوزه فرهنگي محمدهادي همايون، ص27

18. صحيفه نور، ج16، ص81، به نقل ازکتاب تبليغات يک واژه در دو حوزه فرهنگي محمدهادي همايون

19. صحيفه نور،خ18، ص64،به نقل ازکتاب تبليغات يک واژه در دو حوزه فرهنگي محمدهادي همايون

20. صحيفه نور، خ16،ص 151-152 به نقل ازکتاب تبليغات يک واژه در دو حوزه فرهنگي محمدهادي همايون

21. صحيفه نور، ج 16، ص221، به نقل ازکتاب تبليغات يک واژه در دو حوزه فرهنگي محمدهادي همايون

22. كتاب تبليغات ديني ابزارها وشيوه‌ها، ص20 الي 21

23. آيت‌الله خامنه‌اي 1/11/60 به نقل از کتاب،تبليغات ديني و ابزار وشيوه‌ها احمد رزاقي

24. آيت الله خامنه‌اي 29/9/60 به نقل از تبليغات ديني و ابزار و شيوه‌ها احمد رزاقي

25. تبليغات ديني و ابزار و شيوه‌ها احمد رزاقي ص68

26. ‌روزنامه جمهوري اسلامي 31/5/61 به نقل از کتاب تبليغات ديني وابزار وشيوه ها احمد رزاقي ص68

27. اطلاعات 20/10/61 به نقل از کتاب تبليغات ديني و ابزار وشيوه ها احمد رزاقي ص69

28. تبليغات ديني وابزار وشيوه ها احمد رزاقي ص69

29. کتاب راه رسم تبليغ ص 309الي 310

30. مستدرك‏الوسائل،ج1،ص106،11- باب تحريم قصد الرياء و السمعه

108-  12-  الشهيد الثاني في‌ منيه المريد، قال رسول الله ص إن أخوف ما أخاف عليكم الشرك الأصغر قالوا و ما الشرك الأصغر قال رسول الله ص هو الرياء يقول الله تعالى يوم القيامه إذا جازى العباد بأعمالهم اذهبوا إلى الذين كنتم تراءون في الدنيا فانظروا هل تجدون عندهم الجزاء

31. مستدرك‏الوسائل، 8،455،91- باب وجوب الصدق.....  ص : 454

9986-  5-  الطبرسي في مشكاه الأنوار، نقلًا من المحاسن عن أبي عبد الله ع قال إن الله تبارك و تعالى لم يبعث نبياً قط إلا بصدق الحديث و أداء الأمانه إلى البر و الفاجر

32. الكافي،ج2، ص104، باب الصدق و أداء الأمانه

... لك انظر ما بلغ به علي ع عند رسول الله ص فالزمه فإن علياً ع إنما بلغ ما بلغ به عند رسول الله ص بصدق الحديث و أداء الأمانه

33. وسائل‏الشيعه،ج19،ص 68 1- باب وجوب أداء الأمانه

24168-  و عنه عن أحمد عن أبي طالب رفعه قال قال أبو عبد الله لا تنظروا إلى طول ركوع الرجل و سجوده فإن ذلك شي‏ء اعتاده فلو تركه استوحش لذلك و لكن انظروا إلى صدق حديثه و أداء أمانته

34. بحارالأنوار،ج74،ص 152 باب 7- ما جمع من مفردات كلمات الرسول

 84-  و قال ص إذا مدح الفاجر اهتز العرش و غضب الرب

35. مستدرك‏الوسائل،ج 13،ص 123، 35- باب تحريم معونه الظالمين

14960-  7، و بهذا الإسناد قال قال رسول الله ص إذا كان يوم القيامه نادى مناد أين الظلمه و أعوان الظلمه من لاق لهم دواه أو ربط لهم كيساً أو مد لهم مده احشروه معهم

36. بحار ج72 ص414 مستدرك‏الوسائل،ج13،ص124، 35- باب تحريم معونه الظالمين

14964-  11-  الحسن بن علي بن شعبه في تحف العقول، عن أمير المؤمنين أنه قال لكميل يا كميل لا تطرق أبواب الظالمين للاختلاط بهم و الاكتساب معهم و إياك أن تعظمهم و تشهد في مجالسهم بما يسخط الله عليك الخبر...

37. بحارالأنوار،ج75،ص131، باب 21- وصايا علي بن الحسين

 أ و ليس بدعائه إياك حين دعاك جعلوك قطبا أداروا بك رحى مظالمهم و جسرا يعبرون عليك إلى بلاياهم و سلما إلى ضلالتهم داعيا إلى غيهم سالكا سبيلهم يدخلون بك الشك على العلماء و يقتادون بك قلوب الجهال إليهم فلم يبلغ أخص وزرائهم و لا أقوى أعوانهم إلا دون ما بلغت من إصلاح فسادهم و اختلاف الخاصه و العامه إليهم فما أقل ما أعطوك في قدر ما أخذوا منك و ما أيسر ما عمروا لك فكيف ما خربوا عليك فانظر لنفسك فإنه لا ينظر لها غيرك و حاسبها حساب رجل مسئول.

يكشنبه 16 ارديبهشت 1386 - 10:44